

## Explain how to investigate crimes against chastity in Iranian jurisprudence and criminal law

Gholam-Ali Nasiri<sup>۱</sup>, Rashid Ghadiri Bahramabadi<sup>۲</sup>, Maryam Naghdi Durabati<sup>۳</sup>, Kamran Qudusi<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> PhD student, Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahrekord Branch, Shahrekord, Iran. anasir۳۴۹@gmail.com

<sup>۲</sup> Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahrekord Branch, Shahrekord, Iran (**Corresponding Author**). ghadirirashid@gmail.com

<sup>۳</sup> Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahrekord Branch, Shahrekord, Iran. naghdiv۰۷@gmail.com

<sup>۴</sup> Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahrekord Branch, Shahrekord, Iran. kamranghodousi@gmail.com

### Abstract

This research has been descriptive-analytical in which the principles and rules governing the investigation of crimes against chastity in jurisprudence and criminal law have been examined. Islam's criminal policy on these crimes is based on strictness in proving, covering up, and preventing the crime from being revealed by the wrongdoer, the people, and the judge, which is based on the Shari'a's emphasis on preventing the spread of prostitution. This policy includes crimes against chastity. In formulating the criminal procedure of ۱۳۹۲, the legislator has placed the principle on the prohibition of research and has specified the cases of research license. According to the law, the investigation of these crimes should be done directly in court due to the spread of prostitution, but in the judicial procedure, it is observed that in some cases, this investigation is carried out in the prosecutor's office.

**Keywords:** Crimes against chastity, Jurisprudence and criminal law, Organized crime, Crime ignore.

## تبیین نحوه تحقیق جرایم منافی عفت در فقه و حقوق کیفری ایران<sup>۱</sup>

غلامعلی نصیری<sup>۱</sup>، رشید قدیری بهرام آبادی<sup>۲</sup>، مریم نقدی دورباطی<sup>۳</sup>، کامران قدوسی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

anasir349@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول).

ghadirirashid@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. naghdi707@gmail.com

<sup>۴</sup> استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران kamranghodousi@gmail.com

### چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، اصول و قواعد حاکم بر تحقیق در جرایم منافی عفت در فقه و حقوق کیفری را بررسی کرده است. سیاست جنایی اسلام در مورد این جرایم مبتنی بر سخت‌گیری در اثبات، بزه‌پوشی و جلوگیری از افشاء جرم توسط شخص خطاکار، مردم و قاضی است که این سیاست مبتنی بر تأکید شارع بر منع اشاعه فحشاء است. این سیاست شامل موارد ارتکاب جرم منافی عفت در خفا است. چراکه جرایم منافی عفت به دلیل این‌که از جمله جرایم مشمول قاعده حق‌الناس می‌باشند و همچنین به دلیل حفظ شأن و جایگاه بالای حرمت بزه، این مساله اینگونه بررسی و اجرا می‌شود. البته جرائم منافی عفت سازمان‌یافته به دلیل شیوع فحشاء در جامعه مستثنی بر این سیاست هستند. قانون‌گذار در تدوین آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصل را بر ممنوعیت تحقیق قرار داده و موارد جواز تحقیق را مشخص نموده است. طبق قانون، رسیدگی به این جرایم به دلیل اشاعه فحشاء باید مستقیماً در دادگاه صورت گیرد، اما در رویه قضایی مشاهده می‌گردد که در مواردی این تحقیقات در دادسرا انجام می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** جرایم منافی عفت، فقه و حقوق کیفری، جرائم سازمان‌یافته، بزه‌پوشی.

---

<sup>۱</sup> مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری غلامعلی نصیری تحت عنوان «معیارپذیری جرایم منافی عفت در حقوق کیفری ایران»، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد می‌باشد.

## ۱. مقدمه

در ایران که اعتقادات و فرهنگ عمومی مردم و امر و نهی‌های قانونی بر اصول و موازین شرعی استوار است، (اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) جرایم منافی عفت جایگاه درخور توجهی دارد. این جرایم در طبقه‌بندی جرایم، جزء جرایم خلاف عفت و اخلاق عمومی جامعه است. برخی حقوق‌دانان معتقدند هرگاه این جرایم با عفت و اکراه واقع شود، جرایم علیه اشخاص نیز محسوب می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۹). توجه‌ها در خصوص تحقیق در جرایم منافی عفت در ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و تبصره آن بود که تحقیق در جرایم منافی عفت را ممنوع اعلام کرد و در تبصره این ماده مقرر داشت: تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است، مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود. در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز شاهد توجه به ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت می‌باشیم. این ماده مقرر می‌دارد: انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی خصوصی یا به عفت یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود. همچنین ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ که مقرر می‌دارد: در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرایم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عفت، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عفت است از شمول این حکم مستثنی است.

در پژوهش حاضر اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و همچنین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تا چه اندازه اصول و مبانی فقهی از جمله اصل منع تعقیب و تحقیق در فرآیند رسیدگی به این جرایم و اصول قانون اساسی مبنی بر منع تحقیق و تجسس رعایت شده است، مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش حدود تحقیق و مرجع صالح رسیدگی به این جرایم از منظر قوانین کیفری ایران، به علاوه دیدگاه فقها و حقوق‌دانان اسلامی در خصوص تحقیق و تجسس در جرایم منافی عفت و مبانی محدودیت تحقیق در این جرایم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل و پردازش داده‌ها نیز به صورت توصیفی - تحلیلی است.

### ۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

جرایم منافی عفت موجب اخلال و آسیب در نظم عمومی و خسارت مادی و معنوی به بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان جرم می‌گردد. ضمناً باید در این جرایم به حفظ آبرو و حرمت انسانی، حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جلوگیری از شیوع این جرایم و بروز فساد و فحشا در جامعه توجه گردد. از این‌رو ضروری است تا پژوهشی در مورد حدود تحقیق و جست‌وجو در مورد جرایم منافی عفت در شرع مقدس اسلام و همچنین مواد قانونی در حال اجرا در جامعه و همچنین حدود اختیارات و وظایف مقامات قضایی و ضابطین در مورد این جرایم انجام گیرد، تا با مطالعه قوانین موجود و آراء فقهی و بررسی عملکرد قضایی‌ها و ضابطین، نسبت به تعیین نقاط ضعف و قوت موجود در روند فعلی قدمی برداشته شود و در نتیجه گامی در جهت بهبود و رشد اجرای قوانین در جامعه و اعتلای نظام قضایی کشور برداشته شود.

### ۴. مفهوم عفت و عمل منافی عفت

«عَفْت» در لغت به «خودداری» معنا شده است؛ خودداری از حرام، چیزی که حلال نیست (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۲). صاحب لسان العرب می‌نویسد: «عَفْت یعنی خودنگهداری از چیزی که حلال و زیبا نیست و پست است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵۳). امام علی (ع) می‌فرماید: «عفت، بی‌رغبتی نسبت به خواسته‌های نفسانی است» (اصفهانی، ۱۳۷۷، ج ۱، حدیث ۱۹۳۷). به هر حال از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی استنباط می‌شود که «عفت» به هر دو معنای آن از بزرگ‌ترین فضایل انسانی است و هیچ‌کس در سیر إلى الله، بدون داشتن عفت به‌جایی نمی‌رسد. در زندگی دنیا نیز آبرو، حیثیت و شخصیت انسان در گرو عفت اوست. پس عفت دارای دامنه وسیع معنایی است و شامل امور بسیاری می‌شود که عفت در امور جنسی و مالی بخشی از گستره معنایی و مصداقی آن است. از این‌رو در برخی روایات، عفت، افضل العباده شمرده شده که بر همین معنای وسیع دلالت می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۹). واژه «عَفْت» در فقه به عنوان یکی از شرایط «احصان» در بحث قذف به کار رفته است و فقها «غیر عقیف» را به معنای متظاهر به زنا یا لواط یا بعضاً به معنای متظاهر به فسق دانسته‌اند. با این وجود در مورد شمول عنوان «اعمال منافی عفت عمومی» نسبت به اعمال و رفتارهایی که دو جنس مخالف و فاقد علقه زوجیت در انظار دیگران انجام می‌دهند و نیز اعمال و رفتارهای غیرجنسی مخالف با نظم و اخلاق عمومی جامعه، تردید وجود دارد (رحمانی و باقری، ۱۳۹۵).

«عفت» اصطلاحی اخلاقی است. عالمان اخلاق عفت را در شمار مهم‌ترین فضایل برشمرده‌اند و «عفت» در اصلاح اخلاق، یعنی «قوه شهوت» در آمیزش جنسی، مطیع عقل باشد و از چیزی که عقل و شرع نهی کرده، اجتناب نماید و این حد اعتدال در شرع ستوده شده است (خرم شاهی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۳۱۰). جرائم منافی عفت از آغاز تاریخ بشر همیشه مورد تقبیح جامعه بوده است. غریزه جنسی به‌عنوان یک عامل اساسی بر بقای نفس از طرف خداوند به انسان و حیوان اعطاء گردیده است. لکن آنچه که انسان را بر حیوان مقدم می‌دارد، وجود و موهبت عقل است که حیوان از آن بی‌بهره است. حیوانات بر اثر غریزه جنسی مبادرت به تولید نسل می‌نمایند، لکن انسان با کمک عقل به طریق مشروع باید از غریزه جنسی خود استفاده نماید و خداوند متعال ازدواج شرعی را وسیله صحیح برای این منظور قرار داده است.

در این میان بعضی پا را فراتر از موارد مشروع که خداوند عالمیان برای آنان فراهم نموده، نهاده و از حد خود تجاوز و این غریزه را به نحو نامشروع اطفاء نموده‌اند. جرائم حدی زنا مساحقه، لواط، تفریح و جرائم تعزیری، رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا و... از مواردی است که انسان از حدود خود تجاوز نموده و مرتکب جرائم منافی عفت می‌گردد. قوانین ماهوی و شکلی هرچند گاهی دست‌خوش تغییرات شده، لکن تغییرات نتوانسته پاسخی به ابهامات و ایرادات بدهد. در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ که تا سال ۱۳۵۲ همواره دست‌خوش تغییرات بوده، جرائم مربوط به منافی عفت نیز تغییراتی داشته است. حتی در مواردی در خصوص جرائم حدی حکم اعدام تعیین گردیده بود، لیکن در سال ۱۳۱۰ مجازات اعدام نیز از جرائم منافی عفت حدی مثل لواط، زنا محصنه و زنا با محارم نسبی و زنا به عنف برداشته شد. در قانون مزبور هیچ تعریفی از جرایم منافی عفت نشده بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ نخستین قانون ماهوی (قانون حدود و قصاص و دیات) در خصوص جرائم منافی عفت حدی تصویب گردید. در این قانون جرائم منافی عفت احصاء، تعریف و برای آن مجازات تعیین شد. در سال ۱۳۶۲ نیز قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تصویب شد که از مواد ۱۰۱ تا ۱۰۴ به جرائم منافی عفت تعزیری اختصاص دارد. در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی تصویب و در سال ۱۳۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تصویب و مجدداً همان مواد قانونی با اندک تغییراتی ارائه گردید. در سال ۱۳۹۲ آخرین قانون ماهوی در حوزه جرائم حدی تصویب شد.

در این سال‌ها با توجه به تغییرات متعدد، هیچ تعریفی از عمل منافی عفت ارائه نشده و در بعضی موارد به ذکر مصادیق پرداخته شده است. حال با این عدم تعریف از جرایم منافی عفت، قضات در رسیدگی به پرونده‌های قضایی دچار سردرگمی شده و بعضاً باعث صدور احکام متهافت گردیده‌اند. نخستین بار در خصوص نحوه تحقیق در جرایم منافی عفت تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به ممنوعیت تحقیق با شرایطی اشاره گردید و سپس در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۹۴/۳/۲۴ این موضوع با تغییرات و شرایط بیشتری تکرار شد که در ادامه به بررسی این موضوع و اصول و مبانی مربوطه و استثنائات آن اشاره می‌گردد.

## ۵. اصل ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت

اسلام در جرایم جنسی حساسیت ویژه‌ای نشان داده و هرگونه تحقیق و تفحص در امور پنهانی و جرایم منافی عفت را ممنوع می‌داند. به طور کلی تجسس کردن در عیوب پنهانی مردم مورد نهی واقع شده است (حجرات، ۱۲). همچنان که امیرالمومنین در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر آن را توصیه می‌کند. وقتی یک جرم منافی عفت اتفاق می‌افتد، به اصول و مقررات و نظام خانواده و به عموم جامعه دهن‌کجی می‌شود و در این موقعیت مدعی‌العموم می‌تواند به‌عنوان نماینده جامعه در این پرونده‌ها ورود کند به تعبیر عده‌ای اصولاً همه جرائم جنبه عمومی دارند و به دلیل لطمه‌ای که به نظم عمومی وارد می‌سازند، جرم شناخته شده‌اند. بنابراین، هیچ جرمی فاقد جنبه عمومی نیست، اما برخی جرائم علاوه بر نظم عمومی به حقوق اشخاص هم صدمه زده و موجب خسارت می‌شوند و هیچ جرمی فقط جنبه خصوصی ندارد، بلکه جرائم می‌تواند دارای دو جنبه عمومی و خصوصی باشند.

در مواردی که جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی غلبه کند و شخص زیان‌دیده از تعقیب و مجازات مرتکب منصرف شود، جامعه نیز از آن منصرف می‌گردد (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰). در مواد ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بدون این‌که تعریفی از جنبه الهی جرم بیاورد، محکومیت به کیفر را فقط ناشی از ارتکاب جرم دانسته و جرم را دارای جنبه الهی تلقی نموده است که دارای دو حیثیت می‌باشد، حیثیت عمومی و حیثیت خصوصی. در حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی و در حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین بزهکار تحت تعقیب قرار می‌گیرد. همچنین ارتکاب جرم موجب طرح دو دعوا قلمداد گردیده است. دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی و دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است.

پس در جرائم منافی عفت، جرم جنبه الهی دارد و دارای دو حیثیت است. در جرائم منافی عفت حدی چون حق‌الله است و برای حفظ حدود و مقررات الهی مرتکب مورد تعقیب قرار می‌گیرد و در جرائم منافی عفت تعزیری به لحاظ تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی مرتکب مورد تعقیب قرار می‌گیرد. هرچند که در جرائم منافی عفت و اصولاً در کلیه جرائم، جرم دو حیثیتی است، لیکن همان‌طور که ذکر شد جنبه و حیثیت عمومی آن بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد و لذا غیرقابل گذشت تلقی می‌گردد و بر فرض گذشت بزه‌دیده و یا در فرضی که با رضایت انجام شود (بدون بزه‌دیده) دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم موضوع را پیگیری می‌نماید. در خصوص جرایم منافی عفت اصل بر ممنوعیت تحقیق می‌باشد و آموزه‌های دینی و آیات و روایات نیز بر این امر تاکید دارند. لکن باید بین جرایم منافی عفت حق الهی و جرایم منافی عفت که جنبه حق الناسی هم دارند، تفاوت قائل گردید. جرایمی مثل زنا و مساحقه و تفخیز که به صورت مخفیانه و با رضایت انجام گردد، جنبه حق الهی و اگر با عنف و اکراه باشد، جنبه حق الناسی هم دارد.

در حدیثی علامه مجلسی در بحار الانوار از امیرالمومنین (ع) آورده است: قدر و منزلت خود را با تغافل در امور پست و کوچک بالا ببرید. و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است، تجسس نکنید. که عیب جویان شما زیاد می‌شود. و یا با چشم بر هم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۸، ص ۴۳۳). در قانون اساسی نیز تفتیش در عقاید را که یک امر پنهان است، ممنوع می‌داند و در آیات قرآن نیز از تجسس در امور دیگران نهی شده و سفارش به عیب‌جویی نمی‌شود. چه بسا تفتیش و تحقیقات نابه‌جایی که باعث از هم پاشیده شدن کانون خانواده‌ها گردیده و افراد را به دامان تباهی انداخته است. حرمت جامعه اسلامی ایجاب می‌کند اتهام متهم شایع نگردد، چراکه شیوع اتهام، بیش از اصل اتهام مفسده‌آور است (زراعت، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷). اگر زنی هم ادعای اکراه کند بدون دلیل از او پذیرفته می‌شود. در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده است که زنی را همراه با مردی که به‌طور نامشروع با او آمیزش نموده بود، نزد حضرت علی (ع) آوردند، زن عرضه داشت: یا امیرالمومنین (ع) این مرد مرا به زور وادار به این کار کرد و من از خود اختیاری نداشتم. حضرت علی (ع) در پی این ادعا حد را از او برداشت و او را تبرئه نمود (حرعاملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۳۲۸). در این خصوص ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید، در صورتی که ادعای صدق گفتار وی داده شود و یا اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بیّنه و سوگند پذیرفته می‌شود». حدود الهی مبنی بر تسامح و تخفیف می‌باشد و با کوچک‌ترین شبهه حد ساقط می‌شود.

به‌طور کلی سیره عملی پیامبر گرامی اسلام(ص) و پیشوایان دین پرهیز از تحقیق و تفحص برای کشف جرایم منافی عفت بوده است. اصل منع تجسس یکی از اصول مسلم اسلام می‌باشد. از طرفی حریم زندگی شخصی مردم محترم است و جستجو و تحقیق در زندگی آنان امری زشت و ناپسند است. برای کشف و تعقیب یک جرم انتسابی به متهم، هیچ‌گاه نمی‌توان بدون دلیل به تفتیش زندگی خصوصی او پرداخت و از جزئیات پنهان او اطلاع حاصل کرد. هیچ کس تردید ندارد که شرع مقدس اسلام در خصوص مسائل عفتی نظر بر اختفا و پرده پوشی داشته است. حتی مرتکبینی که به خیال تخفیف عذاب الهی مبادرت به اقرار می‌کنند. مورد ملامت و سرزنش قرار گرفته و بر عدم اعتراف و به‌جای آن رو به سوی توبه و استغفار کردن توصیه می‌شوند (نوبهار، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

### ۱-۵. مبانی اصل ممنوعیت تحقیق

براساس آیات و روایات می‌توان دو اصل مهم را مبنای ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت قلمداد نمود. اولین اصل بزه‌پوشی این جرایم در اسلام و دومین اصل منع تجسس و کنجکاوی در امور خصوصی و حفظ حریم خصوصی می‌باشد.

### ۱-۱-۵. اصل بزه‌پوشی

سیاست در دین مبین اسلام مجازات‌های سنگینی برای جرائم منافی عفت تعیین کرده است. لکن با این وجود اصل بزه‌پوشی حکم فرماست. به تعبیر دیگر می‌توان اصل بزه‌پوشی را متأثر از اصل براءت دانست. در اصل ۳۷ قانون اساسی آمده است: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». امام خمینی در خطاب به دادستان‌ها و حاکمان شرع به این نکته اشاره می‌کنند که در اسلام اصراری بر کشف و اثبات جرائم فردی و خصوصی نیست و ایشان این امر را گامی در راستای حفظ آبروی اشخاص و سلامت جامعه معرفی می‌نمایند و خواست خداوند را در این می‌دانند که چنین اموری براهتی اثبات نشود تا حیثیت افراد اگرچه گناهکار هم باشند در جامعه محفوظ گردد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۸۶).

قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تبصره ۱ ماده ۱۰۲ در راستای اصل بزه‌پوشی توسط حاکمان و قضات چنین مقرر می‌دارد «در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند».

مخفی داشتن جرم از آن جهت نیکو و شایسته است که خدای بزرگ پرده‌پوش و ستار می‌باشد و نهان کردن زشتی‌های بندگانش را دوست دارد. صاحب جواهر می‌گوید: استتار جرم از سوی تبه‌کار و عدم اعتراف و در حقوق الله مستحب است، زیرا مخفی داشتن بزه سودمندتر و مصالح نزدیک‌تر از اجرای کیفر می‌باشد و پوشاندن زشتی‌ها شایسته‌تر از اظهار نمودن آنان است (نجفی، ۱۴۰۲، ج ۴۱، ص ۱۱).

## ۵-۱-۲. اصل منع تجسس و کنجکاوی

یکی از سیاست‌های شارع مقدس در مورد جرائم منافی عفت سخت‌گیری در اثبات آن‌ها است، خداوند در این جرایم سعی در پوشیده ماندن آن‌ها دارد، به همین دلیل در صورتی که ادله قاضی برای اثبات این جرائم وجود نداشته باشد، حد ثابت نخواهد شد و اجازه برای تحقیق و تفحص در رابطه با این جرائم را صادر نمی‌کند. از طرف دیگر، چون در جرائم منافی عفت غالباً جنبه حق الهی جرم بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد، به همین دلیل در نظام کیفری اسلام نسبت به جرائمی با این خصوصیات نه تنها بر اثبات جرم تأکید نمی‌شود، بلکه برعکس تلاش می‌شود جرم اثبات نشود و فرصت اصلاح و توبه برای فرد باقی بماند (قیاسی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۴۰).

حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر فرمود: «باید دورترین مردم از تو مبعوض‌ترین آنان نزد تو کسی باشد که پیوسته در پی عیوب مردمان است؛ چه آن که در مردم لغزش‌هایی وجود دارد که حاکم از هر کس دیگر به پوشانیدن آن‌ها سزاوارتر است. پس در جستجوی امور پنهان مباش، وظیفه تو پاک کردن ظواهر است و این پروردگار است که بر هر آنچه از تو پنهان است حکم می‌کند. پس تا آنجا که می‌توانی عیب را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را دوست می‌داری از مردم مخفی بماند، بپوشاند. نهی در روایت، حرمت را می‌رساند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰، نامه ۵۳).

سیاست شارع در مورد جرایم منافی عفت حق الهی صرف سخت‌گیری در اثبات قضایی آن‌ها است، چون خداوند در این جرائم سعی بر بزه‌پوشی و مستور ماندن آن‌ها دارد، به همین دلیل در صورتی که ادله قاضی برای اثبات این جرایم وجود نداشته باشد، حد ثابت نخواهد شد و اجازه برای تحقیق و تفحص در رابطه با این جرایم را صادر نمی‌کند. در واقع خداوند می‌خواهد به دلیل یک گناه، گناهان دیگری اتفاق نیفتد. در این زمینه روایاتی ذکر شده است، از جمله خبری از امام علی(ع) آمده است: هرگاه مؤمنی را در حال ارتکاب فحشا ببینیم، با پارچه وی را می‌پوشانیم، زیرا راه توبه میان او و خداوند باز است. این حدیث نشان می‌دهد که معصومان(ع) برای اثبات جرایم تلاش نمی‌کردند، بلکه برای پوشیدن آن می‌کوشیده‌اند، یا فتوای مشهور در میان فقیهان شیعی و سنی آن است که حتی زن بی‌شوهری آبستن شود، حد بر او جاری نمی‌شود، زیرا احتمال اشتباه، اکراه و مانند آن وجود دارد. بنابراین، حاکم موظف به تحقیق و بررسی در این باره نیست. پس می‌بینیم که سیره عملی پیامبر(ص) و پیشوایان دین و حتی خلفا پرهیز از تحقیق و تفحص در کشف جرایم منافی عفت بوده است (نوبهار، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲). در کل اصل ممنوعیت تحقیق و تجسس در استثناء نیز وجود دارد که در مبحث بعدی به آن اشاره می‌گردد.

## ۵-۱-۳. استثنائات اصل ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

مطابق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت، ممنوع است. در ماده مزبور آمده است: انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت، ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود.



**تبصره ۱.** در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

**تبصره ۲.** قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

**تبصره ۳.** در جرایم مذکور در این ماده اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هیجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد». مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است، مگر در چهار مورد که قانون‌گذار آن را استثناء نموده که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم.

### ۵-۱-۳-۱. در مرئی و منظر عام واقع شدن

اولین استثناء قانونگذار در ممنوعیت تحقیق و تعقیب جرائم منافی عفت این است که جرم منافی عفت در مرئی و منظر عموم واقع شود. در گذشته دادگاه‌های کیفری برای انطباق کلمه «هرکس علناً» مندرج در ماده ۲۱۰ قانون مجازات عمومی از تفسیر مقنن در ماده ۲۱۴ قانون مزبور استفاده می‌کردند. برخی از حقوق‌دانان نیز از این ماده چنین نتیجه گرفته‌اند که سه نوع «علن» وجود دارد: اول *علن بالذات* است، یعنی اماکنی که به طور طبیعی علنی هستند و در اختیار عموم می‌باشند، مانند خیابان و جنگل که ارتکاب عمل در این اماکن علنی است، هرچند شاهدهی نباشد یا تاریک یا مخفیانه انجام شود. دوم *علن* در نتیجه عمل انسان مانند مساجد، مدارس که تحت ضوابط اختیار عموم می‌باشد و هرگاه عمل در زمان آزاد بودن رفت و آمد در آنها صورت گیرد، علنی محسوب می‌شود.

سوم، *علن* به علت محلی است که اگر انجام عمل در آن بدون احتیاط صورت گیرد، ممکن است علنی شود، مانند مکان خصوصی که عبور و مرور دیگران در آن آزاد است (اکرامی، ۱۳۸۹، ص ۸۰).

اگر جرم منافی عفت در خفاء و به صورت پنهانی واقع شود و استثناً دیگری بر آن حمل نگردد، قابل تعقیب و تحقیق نیست. در تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب، در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز این ممنوعیت وجود داشت، ولی فقط دو شرط برای این ممنوعیت ذکر شده بود که جرم مشهود نباشد و شاکی خصوصی هم نداشته باشد. در تبصره ماده مذکور آمده بود: «تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است، مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد». در سال ۱۳۸۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاح گردید ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت به جرائم خاص زنا و لواط تقلیل یافت.

در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی نظریه اداره حقوقی شماره ۲۴۶۲/۳۹۳/۷-۹۳/۱۰/۹-۹۳ اظهار داشته که انجام تحقیقات مقدماتی در مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می‌گردد، توسط دادگاه مطابق مقررات صورت می‌گیرد. اکثر فقها نیز به اجرای حدودی که علنی شده است، نظر دارند. شیخ طوسی در این زمینه می‌فرماید: «اذا كان مشتهراً ظاهراً فلا فائده فی ترک اقامته علیه؛ یعنی هر جرمی به صورت علنی مطرح شود، فایده‌ای در ترک اقامه حد بر او وجود ندارد» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۱).

## ۵-۳-۲. شاکی خصوصی داشتن

دومین استثناء در ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت، وجود شاکی خصوصی است. چنانچه در جرائم منافی عفت شاکی خصوصی وجود داشته باشد، قاضی مکلف به رسیدگی است، در افراد محجور حسب تبصره ۳ ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ولی یا سرپرست قانونی حق شکایت کیفری خواهد داشت و در خصوص افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ولی یا سرپرست قانونی علاوه بر اینکه خود شخص بالغ حق شکایت کیفری خواهد داشت، به عنوان شاکی خصوصی حق شکایت دارد. طبق قانون در پسران بین ۱۵ سال قمری تا ۱۸ سال شمسی و در دختران بین ۹ سال قمری تا ۱۸ سال شمسی، ولی یا سرپرست قانونی نیز جزء شاکی خصوصی در جرائم منافی عفت قلمداد گردیده است. آنچه که در رویه قضایی دادگاه‌ها در خصوص شاکی خصوصی وجود دارد، آن است که در جرائم منافی عفت، زن و شوهر نیز چون حسب مورد به زن یا شوهر ضرر حیثیتی وارد شده است، به عنوان شاکی در جرائم منافی عفت می‌تواند طرح شکایت کند. تبصره یک ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت به عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است». همچنین ذیل ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است، از شمول این حکم مستثنا است». پس در جرایمی که جنبه خصوصی آن بر جنبه عمومی غلبه داشته باشد، با شکایت شاکی خصوصی جرم قابل تعقیب است». سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با هم تعارض دارند یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که با اصلاح ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره الحاقی آن در ۱۳۹۴/۳/۲۴ منظور از جرایم منافی عفت در این قانون مشخص گردید در تبصره الحاقی ماده مزبور آمده است «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است». پس جرایم منافی عفت از لحاظ تحقیق و تفحص شامل جرایم منافی عفت غیر حدی و تعزیری غیر از رابطه نامشروع نمی‌گردد. شاید این طور بتوان گفت که مطابق ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی در صورت نبود ادله اثباتی قانون بر وقوع جرایم منافی عفت و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی حتی با وجود شاکی خصوصی ممنوع است، اما به تعبیری ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی یک قانون عام است و استثنائات آن در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است، هرچند در قسمت اخیر ماده ۲۴۱ قانون مزبور یکی از استثنائات مقرر در ماده ۱۰۲ (به عنف بودن) بیان شده است. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری موخر از قانون مجازات اسلامی است و آنچه باید ملاک عمل قرار گیرد ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است، به تعبیر عدل‌ای، هیچ یک از فقها بزه‌پوشی را در صورتی که اضرار به حقوق دیگران باشد، جایز ندانسته و نصب قاضی والی در بلاد اسلامی از سوی پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) در جهت رفع ستم از مظلوم و مقابله با متجاوزین و جلوگیری از تضییع حقوق مردم بوده است. اگر سختگیری در تحقیق و اثبات قضایی جرم و سقوط کامل کیفر با توبه، چنان عام باشد که موارد ارتکاب اعمال منافی عفت از روی عنف را هم شامل شود، بزه‌دیده نمی‌تواند جرم را ثابت کند و جبران زیان‌های وارد آمده را مطالبه نماید (نوبهار، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳). با این تفاسیر شاکی خصوصی از او موانع، منع تعقیب جرایم منافی عفت می‌باشد.

### ۵-۱-۳-۳. به عنف بودن

سومین استثناء در ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت به عنف و اکراه بودن عمل منافی عفت است. هنگامی که عمل منافی عفت با زور و اجبار و بدون رضایت قربانی صورت گیرد، ممنوعیت تعقیب و تحقیق بی‌اثر می‌گردد. به تعبیر عده‌ای زنا با دختران نابالغ اعم از ممیز و غیر ممیز و همراه با تراضی آنها زنای به عنف و یا اکراه تلقی نمی‌شود و فقط در فرض اثبات اغفال یا فریب آنها در حکم زنای به عنف است. به تعبیر دیگر زنای با دختران نابالغ ممیز و غیر ممیز با تراضی و بدون اغفال و فریب آنها چنانچه منتهی به ازاله بکارت دختر نابالغ شود، فقط موجب اثبات زنای موجب حدّ شلاق وارش البکاره است، نه اعدام و هرچند ازاله بکارت دختر نابالغ با تراضی وی در حکم ازاله بکارت به عنف است، ولی زنا با وی در حکم عنف محسوب نمی‌شود (شاملو و مرادی، ۱۳۹۷، ص ۸۴). با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت که در خصوص بزه‌دیده نابالغ و محجور و مجنون و اشخاص مسلوب الاراده از قبیل بیهوش و خواب و یا مست، رضایت ظاهری آنها فاقد اعتبار بوده و در افراد بالغ شخص و در افراد محجور و نابالغ ولی یا سرپرست قانونی حسب مورد می‌تواند نسبت به شکایت کیفری اقدام نماید.

### ۵-۱-۳-۴. سازمان یافته بودن

چهارمین استثناء در ممنوعیت تعقیب و تحقیق جرائم منافی عفت سازمان یافته بودن جرائم منافی عفت می‌باشد، در قانون به طور صحیح در خصوص اینکه چه جرمی سازمان یافته است، نکته‌ای گفته نشده است، فقط در فصل چهارم قانونی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته اشاره نموده و در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مارالذکر آمده است «گروه مجرمانه عبارت است از گروه منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آنها برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد». در هر حال اگر جرم سازمان یافته را مطابق تبصره مزبور تلقی نماییم، در جرائم منافی عفت اگر جرم توسط این گروه سازمان یافته ارتکاب یابد، از موانع تعقیب و تحقیق است و قاضی مکلف به رسیدگی است، در هر حال آنچه که مهم است آن است قاعده ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت طبق قانون آیین دادرسی کیفری حکم فرماست و به تعبیر عده‌ای ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت از سیاست بزه‌پوشی اسلام در مواجهه با اینگونه جرایم ناشی می‌شود.

این سیاست که در قوانین جزایی ما نیز تبلور یافته بر تاکید شارع بر منع اشاعه فحشا مبتنی است. در جرایم منافی عفت غالباً جنبه حق الهی جرم بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد، به همین دلیل در نظام کیفری اسلام نسبت به جرایمی با این خصوصیت نه تنها بر اثبات جرم تاکید نمی‌شود، بلکه تلاش می‌شود جرم اثبات نشود و فرصت اصلاح برای فرد باقی بماند (حدادزاده نیری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷). به تعبیر عده‌ای، هرگاه ارتکاب اعمال منافی عفت از حالت انفرادی و مخفیانه خارج گردیده به صورت علنی و یا مشهود و یا بانندی و گروهی تحقق یافت، در این وضعیت مسئله فراتر از رابطه شخصی بین افراد بوده و تعرض به حدود الهی است و دامنه عفت عمومی و امنیت اخلاقی جامعه را در برمی‌گیرد و تعرض به حقوق شهروندان محسوب می‌شود (احمدی موحد، ۱۳۸۶، ص ۱۸). با بررسی قوانین مربوطه می‌توان به ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اشاره نمود که ارتکاب اعمال منافی عفت در آن سازمان یافته انجام می‌گردد.

#### ۵-۱-۴. دائر کردن یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاء و تشویق به فساد و فحشاء یا فراهم کردن موجبات آن

ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ یکی دیگر از جرائم علیه منافعی عفت را ذکر نموده است، این ماده قبلاً به نوعی وام گرفته از مواد ۲۱۱ و ۲۱۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ با اصلاحات بعدی است. نکته مهم این است که در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ قانونگذار چهار عمل را جرم‌انگاری کرده است. در ماده مزبور آمده است «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد.

الف- کسی که مرکز فساد و یا فحشاء دایر یا اداره کند،

ب- کسی که مردم را به فساد و فحشاء تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. تبصره: هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید، علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.  
با توجه به مفاد ماده مذکور ۴ عمل جرم‌انگاری شده است که در بندهای آینده به تشریح آن می‌پردازیم.

#### ۵-۱-۴-۱. دایرکننده مرکز فساد و فحشاء

اولین مورد جرم‌انگاری شده در این خصوص کسی است که مرکز فساد و فحشاء را دایر کند و منظور از دایر کردن در اینجا یعنی مرکز فساد و فحشاء را تأسیس نماید. با توجه به واژه یا در ماده ۶۳۹ قانون مزبور مرکز فساد و یا فحشاء دو عنوان جداگانه می‌باشد، هرچند قانونگذار تعریفی از فساد و فحشاء به عمل نیاورده است و تشخیص آن را به عهده قاضی دادگاه گذاشته است، به تعبیر عده‌ای مفهوم مرکز فحشاء فی‌الجمله معلوم و مشخص است. اما معنی مرکز فساد روشن نیست، چون تعریف مشخصی از فساد نداریم (کشاوری، ۱۳۷۶، ص ۷۱).

یکی از عوامل اصلی گسترش فساد به ویژه در جرایم جنسی در اجتماع، اشخاصی هستند که با توجه به امکاناتی که در دست دارند، به توسعه فساد جنسی کمک می‌کنند و هدف قانونگذار نیز از تصویب ماده فوق‌الذکر مبارزه با اشخاص مذکور است.

#### ۵-۱-۴-۲. اداره کننده مرکز فساد و یا فحشاء

دومین مورد جرم‌انگاری شده در خصوص ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ کسی است که مرکز فساد یا فحشاء را اداره می‌کند و منظور از اداره کردن در این ماده تعیین مدیریت کردن مرکز مزبور می‌باشد. هرچند که قانونگذار در خصوص دو کلمه فساد و فحشاء تعریفی به عمل نیاورده است، لکن به تعبیر عده‌ای می‌توان گفت که فحشاء ناظر به اعمال جنسی غیر مجاز می‌باشد و آن عبارت است از «انجام کار زشت و خلاف اخلاق اسلامی که عموماً برای ارضای غریزه جنسی نامشروع به کار می‌رود و کنایه از زنا و سایر جرایم و انحرافات جنسی است». همچنین کلمه فساد به معنی تباهکاری و مرکز فساد ظهور در محل و مکانی دارد که خود اعمال جنسی غیر مجاز در آن انجام می‌شود (ولیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶). از فحوی ماده مارالذکر این طور استنباط می‌گردد که هم مؤسس مرکز فساد و فحشاء و هم مدیر مرکز فساد و یا فحشاء بزهدکار تلقی می‌گردند.

#### ۵-۴-۳. تشویق کننده به فساد و یا فحشاء

سومین مورد جرم‌انگاری شده در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مربوط به شخصی است که دیگران را به فساد و یا فحشاء تشویق می‌کند. این شخص بدون اینکه محل و مکانی را برای دیگران به عنوان مرکز فساد و فحشاء تامین نماید، فقط با تشویق دیگران این کار را تسهیل می‌کند. هرچند که تشویق کردن به نوعی معاونت در جرم تلقی می‌شود، ولی با توجه به اینکه بزه تشویق کردن به فساد و فحشاء خودش جرمی است که مجازات مستقل دارد، به عنوان یک بزه مستقل شناخته می‌شود.

#### ۵-۴-۴. فراهم کردن موجبات فساد و یا فحشاء

چهارمین مورد جرم‌انگاری شده در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مربوط به شخصی است که موجبات فساد و یا فحشاء را فراهم می‌کند و آن هم مانند تشویق کننده به فساد و یا فحشاء از مصادیق معاونت در جرم تلقی شده، لکن با توجه به اینکه دارای مجازات مستقل است، یک بزه مستقل شناخته می‌شود. این بزه می‌تواند از طریق راهنمایی افراد و یا اجاره دادن محل برای فساد و فحشاء محقق گردد. پس ماده ۶۳۹ قانون مزبور یک جرم سازمان یافته محسوب و تحقیق در خصوص آن مجاز می‌باشد.

#### ۶. نحوه رسیدگی به جرائم منافی عفت در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

مطابق ماده ۳۰۶ قانون مارالذکر «به جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود». در تبصره ماده مزبور آمده است «منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعریزی مانند تقبیل و مضاجعه است. به نظر بعضی از حقوق دانان «از نظر ماهوی اصطلاح جرائم منافی عفت عنوان عامی است که شامل چندین جرم می‌شود و می‌توان مهمترین آنها را جرائم زنا و لواط دانست. این عنوان از لحاظ مفهومی به معنای جرایمی است که عفت عمومی را نقض می‌کند، ولی تعیین مصادیق این مفهوم عفت عمومی در قانون تعریف نشده است و عنوان کلی و قابل انعطاف بر حسب زمان و مکان و شرایط ارتکاب است» (خالقی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۴).

هرچند که به نظر نگارنده جرائم منافی عفت حدی فقط شامل زنا، لواط، تفخید و مساحقه می‌باشد و جرائم منافی عفت تعریزی فقط شامل جرائم رابطه نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ قانون تعریزات مصوب ۱۳۷۵ است، ولی نظر مخالف در خصوص اینکه جرم قوادی را نیز جزء جرائم منافی عفت حدی آورده است، وجود دارد (همان، ص ۱۸۴).

هرچند که قوادی و قذف جزء جرائم حدی است و مرتکب آن در صورت اثبات به تحمل شلاق حدی محکوم می‌گردد، ولی نمی‌توان به صراحت آن را جزء جرائم جنسی حدی محسوب نمود، لکن می‌توان آن را در زمره جرائم حاشیه‌ای جرائم جنسی که دارای مجازات حد است، به حساب آورد. در جرائم جنسی حدی دو نفر جنس موافق یا مخالف مرتکب عمل جنسی جسمی و فیزیکی می‌گردند و رسیدگی به چنین جرایمی به صراحت ماده ۳۰۶ قانون مزبور به صورت مستقیم در دادگاه خواهد بود. لکن در خصوص سایر جرائم حاشیه‌ای، حسب مورد نیاز به تحقیق در دادسرا می‌باشد.

اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۳/۸۲۶ مورخه ۹۳/۴/۱۰ آورده است «مواردی نظیر حاضر شدن زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی یا تظاهر به عمل حرام ... خارج از شمول عبارت جرائم منافی عفت مذکور در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد».

در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری قبل از اصلاح مورخه ۱۳۹۴/۳/۲۴ آمده بود «به جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود». هرچند که جرائم زنا و لواط را صریحاً ذکر کرده بود، لکن درخصوص سایر جرائم منافی عفت تعریفی به عمل نیاورده و عملاً قضات در هنگام رسیدگی و تعیین صلاحیت اختلاف نظر داشتند و پس از اصلاح ماده مزبور تا حدودی اختلافات حل شد، زیرا منظور از جرائم حدی را مشخص و در خصوص جرائم تعریفی فقط رابطه نامشروع را به عنوان جرم منافی عفت تلقی نمود. لکن با این وجود در خصوص جرائم جنسی حدی بعضی جرم قوادی و قذف را نیز جزء جرائم حدی محسوب می‌نمایند، در حالی که این دو جرم هرچند جزء جرائم حدی است، لکن جزء جرائم حدی جنسی به حساب نمی‌آید، زیرا وقتی قانونگذار به جرائم جنسی حدی اشاره می‌کند، منظور اشخاصی هستند که با یکدیگر و از لحاظ جسمی و فیزیکی مبادرت به رابطه جنسی می‌نمایند، لکن قذف و قوادی، رابطه جنسی تلقی نمی‌شود.

## ۶. نتیجه گیری

سیاست جنایی اسلام در خصوص همه جرائم صرفاً بر اجرای مجازات تکیه ندارد و در کنار اجرای مجازات بر عوامل دیگری برای پیشگیری از ارتکاب جرم و احیای مجرمین و حفظ نظم جامعه تکیه دارد. در خصوص جرائم منافی عفت سیاست کیفری اسلام جایگاه خاصی دارد، با توجه به آیات و روایات مشخص گردید که تجسس از حریم خصوصی اشخاص منع شده است، مگر در مواردی که مصلحت عمومی اقتضاء نماید و از منظر اسلام، مرتکب جرم منافی عفت موظف است که خود را اصلاح نماید و جرم خود را بر دیگران آشکار نسازد. همچنین با عدم مجازات در موارد خاص، امکان اصلاح مجرم فراهم می‌شود. با تأسی به آیه ۱۲ سوره حجرات و اصل ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت، مبانی اصل ممنوعیت تحقیق دائر به اصل بزه‌پوشی و اصل منع تجسس مشخص می‌گردد که سیاست جنایی اسلام اصلاح مجرم و پیشگیری از جرم و عدم اشاعه فحشا در جامعه می‌باشد. در حقوق ایران نیز در مواد ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری شاهد توجه به تحقیق در جرائم منافی عفت هستیم. در خصوص این دو ماده همانطور که ذکر شد هیچ تعارضی ندارند، بلکه ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مکمل ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد. خوشبختانه ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار در تدوین ماده ۱۰۲ آیین دادرسی کیفری به مبانی فقهی توجه نموده و به تبعیت از فقه امامیه اصل را بر ممنوعیت تحقیق گذاشته و موارد تجویز تحقیق را مشخص کرده است. همچنین در تبصره یک این ماده نیز شاهد توجه قانون‌گذار به بزه‌پوشی توسط خود مرتکب و قاضی است. فلسفه تجویز تحقیق در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود این است که اگر شخصی آن‌قدر وقیح باشد که در مرئی و منظر عام مرتکب جرم منافی عفت شود و در حقیقت عفت عمومی حاکم بر جامعه را خدشه‌دار کند، قطعاً چنین شخصی قصد اشاعه فحشاء در جامعه دارد و باید مجازات گردد و عدم مجازات به صلاح جامعه نیست و همچنین تحقیق در جرائم منافی عفت سازمان‌یافته به سبب این که این جرائم سبب اشاعه فحشاء در جامعه می‌گردند و در مواردی هم که جرم ارتکاب یافته به عنف و اکراه واقع شود و یا دارای شاکی خصوصی باشد، هرگونه تلاش برای عدم اثبات جرم یا تبرئه متهم ستمی بر بزه‌دیده خواهد بود. این امور همان‌طور که گفته شد در فقه امامیه نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. اما اشکالی که در مواد قانونی وجود دارد این است که قانون‌گذار هیچ ضابطه و معیاری برای تشخیص شاکی خصوصی ارائه نداده است. نکته دیگر این که در صورت موارد تجویز تحقیق قانون‌گذار این حق را منحصر به مقامات قضایی نموده است که البته در تصویب ماده ۱۰۲ قبل از اصلاحیه آن، قانون‌گذار قید قضایی دادگاه را به‌کاربرده بود، ولی با اصلاح این ماده در سال ۱۳۹۴ قانون‌گذار قید مقام قضایی را استفاده نموده که اعم از مقامات قضایی دادگاه و دادسرا است. اما با توجه به ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «به جرائم منافی عفت مستقیماً در دادگاه رسیدگی می‌شود»، مشخص می‌گردد که قید مقام قضایی مقرر در ماده ۱۰۲ مقامات قضایی دادگاه است. به نظر می‌رسد فلسفه و مبنای این که به جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود، این است که رفت‌وآمدهای مکرر بزه‌دیده و افراد مرتبط با جرم به مراجع قضایی امکان اشاعه فحشاء را افزایش داده و همچنین موجب اطاله دادرسی و تشدید تألمات روحی بزه‌دیده می‌گردد. لذا، رسیدگی به این جرائم توسط دادگاه صالح انجام می‌گیرد.

## قرآن کریم.

نهج البلاغه. ترجمه جعفر شهیدی. قم: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: انتشارات دار صادر، ج ۹.
۲. احمدی موحد، اصغر (۱۳۸۶). صراحت داسرا و دادگاه در رسیدگی به جرائم منافی عفت. پیام آموزش، شماره ۲۸، ص ۱۸.
۳. اکرامی، جواد (۱۳۸۹). جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی. گفتمان حقوقی، شماره ۱۸-۱۷، ص ۸۹.
۴. حدادزاده نیری، محمدرضا (۱۳۸۸). تحقیق در جرایم منافی عفت. حقوقی دادگستری، شماره ۶۷، ص ۱۱۷.
۵. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۸). وسائل الشیعه. تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، ج ۱۸.
۶. خالقی، علی (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ ۲۷.
۷. خرم شاهی، احمد؛ خرم شاهی، بهاء الدین؛ خانی، کامران (۱۳۸۴). دایره المعارف شیعه. تهران: انتشارات حکمت، ج ۱۱.
۸. خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین. ترجمه محسن آل عصفور. قم: موسسه دارالهجره، ج ۱.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۹.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۷۷). مفردات الفاظ القرآن الکریم. بیروت: انتشارات دارالشامیه، چاپ سوم، ج ۱.
۱۱. رحمانی، حامد؛ باقری، احمد (۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوقی اعمال منافی عفت عمومی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. زراعت، عباس؛ مهاجر، علی (۱۳۸۷). شرح قانون آیین دادرسی کیفری. قم: نشر فیض، ج ۱.
۱۳. شاملو، باقر؛ مرادی، مجید (۱۳۹۷). بزه خشونت جنسی، چالش های حقوقی و راهبردها. پژوهش های حقوقی و قضایی، سال اول، شماره ۲، ص ۸۴.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۶.
۱۵. قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی. قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۱.
۱۶. کشاورز، بهمن (۱۳۷۶). مجموعه قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵. تهران: گنج دانش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). اصول کافی. تهران: انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیه، ج ۲.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: انتشارات موسسه الوفاء، چاپ دوم، ج ۳۸.
۱۹. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷). جرایم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
۲۰. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۲، جواهر الکلام، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، جلد ۴۱، چاپ دوم.
۲۱. نوبهار، رحیم (۱۳۸۵). قاچاق زنان برای روسپیگری از منظر آموزه های اسلامی با نگاه به مقررات بین المللی و حقوق ایران. مدرس علوم انسانی، شماره ۳، ص ۱۸۷-۲۲۰.
۲۲. نوبهار، رحیم (۱۳۸۹). اهداف مجازات ها در جرایم جنسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶). حقوق کیفری اقتصادی. تهران: انتشارات میزان.